

## الدرس الثانی : ص. ۱۹ : الوجه النافع و الوجه المضر (چهره ی (زویه) سودمند و چهره ی زیان بار) دوازدهم انسانی

به خدا قسم اگر سرزمین های هفتگانه با هرچه زیر آسمان هایش هست به من داده می شد تا در مورد مورچه ای از خدا نافرمانی کنم و پوست جویی را از آن به زور بگیرم، انجام نمی دادم.

"قطعاً کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند [بدانند] مسلماً ما پاداش کسی که نیکوکاری کرد (کار را خوب انجام داد) را تباہ نمی کنیم."

در سال ۱۸۳۳ پسر بچه ای در کشور سوئد متولد گشت که "آلفرد نوبل" نامیده شد. پدرش کارخانه ای برای ساخت ماده ی "نیترو گلیسرین" مایع که حتی با حرارت کم زود منفجر می شود، برپا داشته بود.

آلفرد از کوچکی به این ماده اهتمام ورزید و برای بهینه سازی باکوشش کار کرد تا مانع از انفجارش شود. آزمایشگاه کوچکی ساخت تا تجربه هایش را در آن اجرا کند (به اجرا بگذارد)، اما متأسفانه آزمایشگاه منفجر شد و بر سر برادر کوچک ترش ویران شد و او را گشت. این اتفاق عزم او را ضعیف نکرد، پس با پشتکار به کارش ادامه داد تا این که توانست ماده ی "دینامیت" را که جز با اراده ی انسان منفجر نمی شود (یا فقط با اراده ی انسان منفجر می شود)، اختراع کند. بعد از این که دینامیت را اختراع کرد، رئیس ان شرکت های ساخت (ساخت و ساز) و معادن و نیروهای مسلح که مشتاق به کارگیری آن بودند، به خریدن آن روی آوردند. پس دینامیت در تمام نقاط دنیا پخش شد.

آلفرد به ساختن ده ها کارگاه و کارخانه در بیست کشور اقدام کرد و از آن طریق ثروت بسیار بزرگی به دست آورد تا این که از ثروتمندترین ثروتمندان جهان شد.

انسان از این ماده استفاده کرده است و در گندن تونل ها، شکافتن کانال ها، ساخت راه ها، گندن معادن، دگرگونی کوه ها و تپه ها به دشت های قابل کشت، کارهای دشوارش را آسان کرده است.

از جمله کارهای بزرگ که توسط این ماده انجام شد، انفجار زمین در کانال "پاناما" با مقدار کمی دینامیت بود که به چهل تن رسید (بالغ بر چهل تن).

پس از این که نوبل دینامیت را اختراع کرد، جنگ ها زیاد شد و وسائل (ابزار) کشتار و ویرانی با این ماده افزایش یافت، اگرچه هدفش از اختراع آن کمک به انسان در زمینه ی آباد کردن و ساخت بود.

یکی از روزنامه های فرانسوی هنگام مرگ برادر دیگرش عنوان اشتباهی را منتشر کرد: "آلفرد نوبل تاجر مرگ که از طریق ایجاد راه هایی برای کشتن تعداد زیادی از مردم ثروتمند شد، مُرد." نوبل از این عنوان احساس گناه و ناامیدی کرد، و ناراحت ماند و ترسید که مردم پس از مرگش از او به بدی یاد کنند. به همین دلیل مؤسسه ای برای بخشیدن جایزه های معروف به نام "جایزه ی نوبل" بنیان نهاد. و ثروتش را برای خرید جایزه های طلا بخشید تا اشتباهش را تصحیح کند.

این جایزه هر سال به کسی که در زمینه های مشخص شده ی صلح، شیمی، فیزیک، پزشکی، ادبیات و غیره به بشریت سود برساند، داده می شود (یا: این جایزه هر سال به کسی اهدا می شود که در زمینه هایی که آن را مشخص کرده به بشریت سود می رساند، و آن عبارت است از: ..). اما آیا امروزه این جایزه ها به کسی که سزاوارش است، داده می شود؟

هراختراع علمی و هر نوآوری در تکنیک (فناوری) دورویه دارد: رویه ی سودمند و رویه ی زیانبار. وبرانسان دانا واجب است که از رویه ی سودمند استفاده کند(بهره برد).

### ص. ۲۳ : نکات واژه نامه

-أَجْرَى: اجراکرد. حروف اصلی: ج ر ی، ثلاثی مزید(باب إفعال):أَجْرَى يُجْرِي أَجْرٌ إِجْرَاءٌ // جَرَى يَجْرِي: جاری شد(ثلاثی مجرد)  
-أَضَعَفَ: ضعیف کرد ≠ قَوَّى

-الإعمار: آبادکردن ≠ هَدَمَ، حروف اصلی: ع م ر، ثلاثی مزید(باب إفعال):أَعْمَرَ يُعْمِرُ أَعْمَرٌ إِعْمَارٌ  
\*توجه: با أعمار(جمع عُمر، به معنی "عمرها) اشتباه نشود.

-أَفَادَ: سود رساند، فایده رساند = نَفَعَ ≠ ضَرَّ، حروف اصلی: ف ی د، ثلاثی مزید(باب إفعال):أَفَادَ يُفِيدُ أَفَادَةٌ إِفَادَةٌ  
-الأنفاق: تونل ها. مفرد: نَفَق. \*توجه: با إنفاق(بخشیدن) اشتباه نشود.

-انهدَمَ: ویران شد. حروف اصلی: ه د م، ثلاثی مزید(باب انفعال):انهدَمَ ينهدمُ انهدام  
هدَمَ: ویران کرد. ثلاثی مجرد است. : هَدَمَ يَهْدِمُ

-اهتَمَّ: اهتمام ورزید. حروف اصلی: ه م م، ثلاثی مزید(باب افتعال):اهتَمَّ يَهْتَمُّ مصدر: اهتمام  
- الأهل: شایسته. / \*با جَدِير(به معنی شایسته) فرق دارد.

-التَّحْوِيلُ: دگرگونی. حروف اصلی: ح و ل، مصدر باب تفعیل است. حَوَّلَ يُحَوِّلُ حَوَّلٌ تَحْوِيلٌ

-التَّطْوِيرُ: بهینه سازی، پیشرفت. حروف اصلی: ط و ر، مصدر باب تفعیل است. طَوَّرَ يُطَوِّرُ طَوَّرٌ تَطْوِيرٌ

-التَّقْنِيَّةُ: فناوری و تکنیک / جزء کلمات مُعَرَّبٌ است.

-تَمَّ: انجام شد، تمام شد. حروف اصلی: ت م م، ثلاثی مجرد است. تَمَّ يَتِمُّ مصدر: تَمَّامٌ

-حَدَّدَ: مشخص کرد، معین کرد، تعیین کرد. حروف اصلی: ح د د، ثلاثی مزید(باب تفعیل):حَدَّدَ يُحَدِّدُ حَدَّدٌ تَحْدِيدٌ

\*توجه: به تهدید(به معنی تهدید کردن و ترساندن کسی) فرق دارد.

حَدَّدَ يُحَدِّدُ حَدَّدٌ تَحْدِيدٌ هَدَّدَ يَهْدِدُ هَدَّدٌ تَهْدِيدٌ(تهدیدکردن)

-حَبِيْبَةُ الأَمَلِ: ناامیدی = اليأس ≠ الرجاء الأمل: امید و آرزو

-الدَّوُّوبُ: با پشتکار(شخصی که پشتکار دارد)، مفرد است. حروف اصلی: د ء ب

-سَهَّلَ: آسان کرد. = يَسَّرَ ≠ صَعَّبَ

-السَّهْلُ: دشت ها، مفرد: السَّهْلُ \*با سهل (به معنی آسان) فرق دارد.

-الشَّعِير: جو

\* با شَعْر (به معنی مو) اشتباه نشود.

-الشَّقُّ: شکافتن. حروف اصلی: ش ق ق ، مصدر ثلاثی مجرد است. : شَقَّ يَشُقُّ مصدر: شَقَّ

-الصَّبِي: کودک (پسر)، پسر . جمع: الصَّبِيان  
-الصَّبِيَّة: کودک (دختر)، دختر. جمع: صَبِيَّات

-صَحَّح: تصحیح کرد. حروف اصلی: ص ح ح ، ثلاثی مزید (باب تفعیل): صَحَّحَ يُصَحِّحُ صَحَّحَ تَصَحِّحُ

- الطَّنُّ: تُنُّ، جمع: الأطنان. \* باطنین و طَّنَان اشتباه نشود.

-المَجَال: زمینه، فرصت، میدان (میدان کاری). جمع: المَجَالَات / \* به دلیل این که مصدری با بیش از ۳ حرف است، با ات جمع

بسته می شود. توجه: ۱. خود کلمه ی "مجال" مذکر است، اما به دلیلی که گفته شد، به صورت مؤنث جمع بسته می شود. ۲. با مَجَلَه (جمع: مَجَلَّات) اشتباه نشود.

-نَشَرَ: پخش کرد، منتشر کرد ، متعدی است. ، ثلاثی مجرد است. نَشَرَ يَنْشُرُ

-انْتَشَرَ: پخش شد، منتشر شد. لازم است. ، ثلاثی مزید (باب افتعال) است. : انْتَشَرَ يَنْتَشِرُ انْتِشَارُ

## ص. ۲۴ : درك مطلب :

أ. مطابق (براساس) متن درس در جای خالی کلمه ی مناسبی قرار بده:

۱. الحُرُوب؛ ۲. المَنَاجِم؛ ۳. سَنَة؛ ۴. والد؛ ۵. عِشْرِينَ؛ ۶. أَخِيهِ الأَصْغَر

ب. مطابق (براساس) متن درس درست و نادرست را مشخص کن:

۱. اختراع دینامیت در آسان سازی کارهای سخت، مانند حفرتونل ها و شکافتن کانال ها تأثیری نداشت . غیر صحیح

۲. نوبل ترسید که مردم پس از مرگش اورابه بدی یاد کنند؛ بنابراین (به همین دلیل) سازمان "جایزه ی نوبل" را بنیان نهاد. صحیح

۳. کسانی که در خلال سال های گذشته جایزه های نوبل به دست آوردند، همگی شایسته ی آن بودند. غیر صحیح

۴. هراختراع علمی ونوآوری در تکنیک ، یک رُویه ی سودمند ویک رُویه ی زیان بار دارد . صحیح

۵. اختراعات نوین برای آسان سازی کارهای زندگی به بشر کمک کرد. صحیح

۶. هدف نوبل از اختراع دینامیت گسترش جنگ ها بود . غیر صحیح

## ص. ۲۸ : التمرین الأول :

در واژه نامه ی درس به دنبال کلمه ی مناسبی برای توضیحات زیر بگرد:

۱. شیوه یا هنری برای انجام دادن کاری یا راهی که مخصوص حرفه ای باشد (به حرفه ای اختصاص داشته باشد) یا دانش صنعت

جدید. : التَّقْنِيَّة

۲. راهروی زیرزمین یا درکوه که طولش بیش از عرضش است. یک ورودی و یک خروجی دارد. : نَقْف

۳. محل مرتفعی بالای سطح زمین، کوچک تر از کوه. : تَلّ

۴. محلّ طلا، نقره، مس و مانند آن در زمین. : مَنْجَم

۵. کسی که درانجام کارش تلاش می کند و احساس خستگی نمی کند. : دَوُوب

۶. وزنی معادل هزار کیلوگرم : طُنّ

### ص. ۱۹ : نکات متن درس

-والله: جارومجرور(قَسَم)، أعطيتُ: فعل ماضی مجهول، نائب فاعل آن ضمير ت، الأقاليم: مفعول دوم، السبعة: صفت، بما: جارومجرور، تحت: قيد مكان، أفلاك: مضاف إليه، ها: مضاف إليه، أعصي: فعل مضارع و فاعل آن ضمير مستتر أنا، الله: مفعول، في فملة: جارومجرور، أسلُبُ: فعل مضارع و فاعل آن ضمير مستتر أنا، \*أسلُبُ با این كه بعد از يك اسم نكره آمده، جمله ی وصفیه محسوب می شود، زیرا آن را توصیف می کند. ، ها: مفعول اول، جَلَبُ: مفعول دوم، شعيرة: مضاف إليه، ماَفَعَلْتُ: فعل ماضی منفی و فاعل آن ضمير ت

ص. ۲۰:

-سطر ۱: إن: از حروف مشبهه بالفعل، الذين: اسم إن، آمنوا: فعل ماضی و فاعل آن ضمير واو، و: حرف عطف، عملوا: فعل ماضی و فاعل آن ضمير واو و معطوف بر آمنوا، جمله ی "إنالأنضیع.." جمله ی اسمیه و خبر برای إن اول، إن(دوم): از حروف مشبهه بالفعل، نا: اسم إن، لأنضیع: خبر إن دوم (ازنوع فعل) و فاعل آن ضمير مستتر نحن، أجر: مفعول، من: مضاف إليه، أحسن: فعل ماضی، عملاً: مفعول برای أحسن.

-سطر ۲: جمله فعلیه است. وُلِدَ: فعل مجهول، في مملكة: جارومجرور، السوید: مضاف إليه، صبي: نائب فاعل، سمي: فعل ماضی مجهول و صفت(جمله ی وصفیه) برای صبي، ألفرد نوبل: نائب فاعل برای سمي.

-سطر ۳: كان: از افعال ناقصه، والد: اسم كان، ه: مضاف إليه، قد أقام: خبر كان(ازنوع فعل)، مصنعا: مفعول، لصناعة: جارومجرور، مادة: مضاف إليه، النيتروغليسیرين: مضاف إليه، السائل: صفت، السريع(یا السريع الانفجار): صفت، بالحرارة: جارومجرور، القليلة: صفت

ب ق ی ه د ر ک ل ا س !!!

والسلام  
حقيقي